

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه هشتم اردی بهشت ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تصویب پنج فقره مرخصی
- ۳ - اخذ رأی برای انتخاب چهار نفر کسری اعضاء دیوان محاسبات
- ۴ - بقیه شور لایحه املاک و اگذاری
- ۵ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت و ده دقیقه پیش از ظهر بر ریاست آقای بیات (نایب رئیس) تشکیل گردید.

صورت مجلس روز یکشنبه ۶ اردی بهشت ماه را آقای (ملوسی) منشی خواندند.

۱ - تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خبر)

صورت مجلس تصویب شد.

۲ - تصویب پنج فقره مرخصی

نایب رئیس - چند فقره راپرت از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

مرخصی آقای ابراهیمی ریگی

آقای ابراهیمی ریگی درخواست دوازده روز مرخصی از تاریخ اهم فروردین ۱۳۲۱ نموده اند و مورد موافقت

کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینها گزارش آن

بمعرض میرسد .

نایب رئیس - موافقین با این مرخصی اظهار موافقت

نمایند . (اکثر برخاستند) تصویب شد .

مرخصی آقای امیر تیمور

آقای امیر تیمور درخواست چهارده روز مرخصی از تاریخ

اهم فروردین ۱۳۲۱ نموده و کمیسیون عرایض و مرخصی با

درخواست ایشان موافقت نموده اینها گزارش آن تقدیم

میشود .

(تالیق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح چهل و هشتمین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره ثبت نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه آقای سلطانی .

غائبین بی اجازه - آقایان : نواب یزدی - صدر - ابقوانی - ناصری - شجاع - ملکزاده آملی - اکبر - دکتر سنک - جلانی

فاطمی - شیرازی - دکتر ادهم - معتمدی - دبستانی - جهانشاهی - آصف - صادق وزیری - گرجانی

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : تولیت - مهدوی - خسروشاهی .

نایب رئیس - موافقین اظهار موافقت نمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد .

مرخصی آقای معینی
آقای معینی درخواست پانزده روز مرخصی از تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۲۱ نموده اند و کمیسیون عرایض و مرخصی با درخواست ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن تقدیم میشود .

نایب رئیس - موافقین اظهار موافقت نمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

مرخصی آقای اباب یزدی
آقای اباب یزدی درخواست دوازده روز مرخصی از تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون واقع شده اینک گزارش آن تقدیم میشود .

نایب رئیس - موافقین با این مرخصی اظهار موافقت نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد .

مرخصی آقای شجاع
آقای شجاع درخواست پانزده روز مرخصی از تاریخ سی ام فروردین ۱۳۲۱ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون عرایض و مرخصی واقع شده اینک گزارش آن تقدیم میشود
نایب رئیس - موافقین اظهار موافقت نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد .

[۳ - اخذ رأی نسبت به کسری اعضاء دیوان محاسبات]
نایب رئیس - نسبت با انتخاب اعضاء دیوان محاسبات شش نفر انتخاب شده بودند چهار نفر باقی است اگر آقایان موافقت نفرمایند این چهار نفر نیز انتخاب شوند (صحیح است) رأی میگیریم نسبت با انتخاب چهار نفر برای عضویت دیوان محاسبات

(اخذ آراء بعمل آمد)
نایب رئیس - آقایان : معینی - اراقی - فرمانفرمایان مؤید ثابتی - یار احمدی که انتخاب شده اند با اتفاق آقای بیل سمعی استخراچ آراء خواهند فرمود .

[۴ - بقیه شور لایحه واگذاری املاک]

نایب رئیس - ماده ۱۴ لایحه واگذاری املاک مطرح است . آقای مؤید احمدی .

مؤید احمدی - بعقیده بنده عمده مواد این قانون همین ماده ۱۴ است زیرا مواد پس و پیش این ماده مواد تشریفاتی است که هیئتها چطور تشکیل شود و چه بکنند ولی عمده ماده ۱۴ است بنده در جلسه گذشته پیشنهاد کردم مطابق ماده ۹۹ نظامنامه که هر و کیلی میتواند تقاضای تجزیه کند پیشنهاد کردم بمقام ریاست فرمودند در موقع پیشنهادات قرائت میشود عقیده بنده این است که این ماده باید تجزیه شود علتش هم اینست که ممکن است بکنفر به قسمت الف رأی بدهد و بقسمت ج رأی دهد بعقیده بنده این ماده ۶ قسمت است و باید تقسیم شود بک قسمتش چندان مهم نیست که قسمت اولش باشد ولی پنج قسمت دیگرش باید پنج ماده شود و ماده بنده رأی گرفته شود البته هر کدام اکثریت پیدا کرد تصویب میشود اما بک موضوع درخواست کلیه عرض کنم که البته این املاک چند نوع دارد و بکقسم نیست اینرا باید درست دقت کرد و تجزیه کرد و روی آن ترتیب تکلیفی برایش معین کرد مثلاً فرض بفرمایید که بک قسمت این است که بک املاکی خالصه بوده باسم شاه سابق ورقه مالکیت صادر شده حالا بر میگردد به دولت بوزارت مالیه و ورقه مالکیت هم باید باسم وزارت دارائی تصحیح شود این بک قسم ، بک قسم دوم قسم معاوضه است که بک اشخاصی املاکشان را تعویض کرده اند با بک املاکی و اینها هم فروخته اند و بعضیها معامله کرده اند و دست دوم و سوم هم گشته است و این هم بر گرداندنش خیلی اشکال دارد بنده اطلاع دارم که اشخاصی بوده اند که سرفه برده اند از اینکار که املاک مازندران را داده اند و املاک خوب شیراز را در عوض برده اند و اگر حالا بخواهند عوض بکنند شاید راضی نباشند که آن تعویض بهم بخورد این هم بک قسم باقی میماند دو قسم بکقسم غصب صرف است که یعنی نه قباله ارزش گرفته اند و نه پولی داده اند همین طور برده اند البته این باید

بصاحبش برگردد و چون اجرت المثل این مدت هم واقعا برای دولت پرداختش کار مشکلی است همان تصمیمی که در بند الف گرفته شده بعقیده بنده کافی است و خوبست باقی بماند قسم دیگری که معامله شده یعنی ملکی را گرفته اند و قباله گرفته اند که شاید آن ملک صد هزار تومان قیمتش بوده باشد هزار تومان قباله گرفته اند با آن ده هزار تومان را هم نداده اند و با کمتر داده اند در هر حال این هم بک قسم است که این را در فصل (ب) میخواهند تکلیفشان را معین کنند حالا آقای دشتی تشریف ندارند ایشان اعتراض کردند بکمیسیون و گفتند که اولاً دولت حق نداشته است پیشنهاد کند و بعد هم کمیسیون حق نداشته که این سه هزار تومان را بپذیرد اولاً بنده از اشخاصی هستم که معتقد هستم که اگر این را باقساط بکنند هم بصرفه دولت است و هم بصالح مردم یعنی این را ده ساله بکنند که در ظرف ده سال این پول را بپردازند یعنی اینها هر سال مقداری از عایدات ملکشان را بپردازند و قرضشان را بپردازند این بهتر از این است که بگوئیم هزار تومان دو هزار تومان سه هزار تومان را بدهند و این خوب ترتیبی نیست حالا البته باید ساده تجزیه شود و در وقت تجزیه در هر ماده پیشنهاد شود به پیشنهادات رأی گرفته شود البته اگر آقای وزیر دادگستری هم به پیشنهادات بیکه در مجلس شد موافقت کنند که دیگر محتاج نیست برود بکمیسیون اما جواب آقای دشتی که میفرمائید و کیلی نمیتواند پیشنهاد خرج بکند بنده اصل ماده نظامنامه را میخواهم که ملاحظه فرمایند که هیچ مربوط باین قضیه نیست :

ماده ۶۵ - در قانون بودجه هیچ طرحی را که مستلزم از بداد مقررری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیشنهاد کرد و همچنین است طرحی که خوراء مستلزم احداث تأسیسات یا شغل یا وظایف بوده خواه باعث توسعه هر بک از این سه فقره خارج از حدود قوانین جاریه باشد . حالا نظر دولت و نظر کمیسیون این بود چون بک پیشنهادی از طرف پنجاه نفر از آقایان

نمایندگان شده بود و پنجاه نفر و کیلی آنرا امضا کرده اند (صحیح است) حالا کمیسیون چه بکنند در مقابل بک پیشنهاد پنجاه نفری این بود که آمدیم با آقای وزیر دادگستری تا سه هزار تومان در نظر گرفتیم اینک الان خود بنده هم که عضو کمیسیون هستم موافق هستم که این را بپردازیم و این را بگذاریم که تازه سال به قسط بپردازند .

نایب رئیس - آقای انوار
انوار - موضوعی را که آقای مؤید احمدی بیان کردند در اینجا که این مبلغ را بپردازند و همان ده سال را بگذارند که باقساط بپردازند بنده اگر چه پررور این مسئله را تا اندازه تأیید کردم ولی بنده فعلاً برخلاف آن هستم کسی هم ایراد ندارد که چرا پررور را اینها در گفتنی امروز این جور میگوئیم چون مسئله بک مسئله است که هر روزی بک ترتیبی بنظر می آید حالا عرضی که میخواهم بکنم از نظر دفاع از کمیسیون است این مبلغی که در کمیسیون در نظر گرفته شد نظر به املاک این خرده مالکین بوده است چون نظر ترحیم نسبت به اینها شده است بنا بر این بک چیزی بآنها داده شده است حالا آن چیزی که در نظر گرفته میشود نسبت به آلهائی است که در واقع ضعیف و ناتوان هستند و بیچاره هستند و مسکنت دارند و بنا بر این گفته شد بک آن پولی که آن روز با آن ترتیب به اینها داده اند امروز از اینها بگیرند و ملکشان بهشان داده شود و آقای وزیر دادگستری هم موافقت کردند و کمیسیون هم از نظر ارفاق و ملاحظه کردن اینها این را در نظر گرفت از این جهت آمده است و این نظر را تأیید کرده است و امیدوار هستم که اکثریت مجلس هم موافقت فرمایند و حال ضعیفا را در نظر بگیرند و آقای مؤید احمدی که میفرمایند در طرف ده سال بیایند این پول را بدهند این بیچاره که الان میرود سر ملکشان نان میخواهد و سائل زندقه و رعیتی میخواهد چطور میتواند که سال بسال بک مبلغی هم بدولت بدهد در هر حال بنده با این نظر ایشان مخالفم و حکومتمش با اکثریت مجلس است .

نایب رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض میکنم در این قسمت بنظر بنده صحبت زیاد شده و استدلالی هم که فقط در مقابل شده است و میشود این است که ما يك حد نصابی قائل شده ایم نسبت به يك مردم ضعیف و بیچاره و دلالی هم که می آورند این است که بیچاره هستند بنده خیال میکنم که اگر ما این فرض را قبول کنیم که اینها بیچاره هستند فرق نمیکند آن سه هزار و صد تومانی هم بیچاره است چهار هزار تومانی هم بیچاره است در هر قسمش که فرض کنیم و فکر کنیم چه سی هزار تومانی و چه ده هزار تومانی هیچ فرق نمیکند چون اصل عمل صحیح نبوده و بدون رضایت اینها بوده است میتوان گفت که همه بیچاره اند پس يك طبقه را نمیشود بیچاره گفت و طبقه دیگر را بیچاره نگفت این نظری که بنده و بعضی از آقایانیکه اظهار کردند داریم بنده فکر میکنم که اگر آقایان اهل حساب باشند و قلم و کاغذ دست بگیرند و حساب کنند ملاحظه میفرمایند که چیزی صاحبان املاک کم نمی کنند ما اگر چنانچه میگوئیم این املاک را ده ساله پولش را بگیرند حساب میکنیم این سه هزار تومان را بنده تقسیم میکنم شاید در هر سال هر قسط دویست و شصت دویست و هفتاد تومان میشود و اگر آقایان هم توجیه فرموده باشند عمر این آبادی این املاک هم تا حدی بود که عایداتش نسبت بسنوات و ایامی که در دست اینها بوده هیچ طرف مشابیه و مقایسه نیست و از طرفی هم نرخ اجناس و عایدات هم نسبت بآن سال باز قابل مقایسه نیست در هر صورت بنده خیال میکنم که اگر چنانچه برای هر مالکی دویست و شصت تومان دویست و هفتاد تومان قائل شویم و این املاک را ما بطور رایگان و مجانی بدهیم آنها هم ضرری نمیبینند از آن طرف مجلس شورای ملی هم از يك تبعیض و يك روبه که هیچ دلیل ندارد مبرا و خودش را خلاص میکنند اینجا صحبت شد که تأثیر سه هزار تومان نسبت بسهم فروشنده تا چه اندازه است بنده عرض کردم بود در صد مطابق اطلاعاتی که داشتم و سه هزار تومان باین رایگان و مجانی داده میشود آقای وزیر دادگستری فرمودند هفتاد

در صد بنظر بنده هفتاد در صد هم چرا؟ بنده با بکنفر از آقایان راجع به يك کاری در وزارت دارائی بودیم اتفاقاً این صحبت پیش آمد آقای وزیر دارائی و متصدی مربوطه گفتند ۹۹ در صد این بیانی است که آقای وزیر دارائی ما در وزارت دارائی فرمودند ده پانزده نفر از آقایان هم تشریف داشتند يك وقتی مجلس شورای ملی واقفاً میخواهد این املاک را رایگان بدهد خوب مجلس شورای ملی يك ماده تصویب میکند که بدهند و چیزی هم بگیرند و صد در صد واگذار کنند ولی ما بیاییم فوراً قائل شویم و این طور مول نتیجه اش این میشود که سه هزار تومان نسبت به سهم هر فروشنده مؤثر شود و میخواهیم رایگان بدهیم نتیجه حساب همان است که گفته شد و همان است که وزارت مالیه که متصدی این کار است و عمل در دست اوست اظهار میکند از این جهت بنده برای اینکه می بینم يك اختلاف نظری در این قسمت هست میخواستم سمعی کنم از آقای وزیر دادگستری که ایشان هم موافقت کنند با این فکر که ما بطور که آقای دشتی هم فرمودند اصلاً مفتخواری صورت خوبی ندارد (مهمه نمایندگان - آقایان بطور نیست از صندوق دولت که آنها چیزی داده نمیشود آقایان) خوب حالا هر وقت حرارت آقایان تمام شد بنده عرض میکنم (مهمه نمایندگان)

دکتر سیم - آقای حرارت نیست شما تحت تأثیر قرار گرفته اید

اعتبار - اینکه گفتم مفت این دلیلش با خودش است دلیلش همان معاملاتی است که شده و پول گرفته شده ما امروز میگوئیم آن پولی را که آن روز گرفتید پس بدهید چه ضرری دارد واقفاً شما يك ملك پنجاه هزار تومانی را به بنده بدهید به سیصد هزار تومان و ده ساله پولش را از من بگیرید از این جهت چون حقیقه همه يك نیت و يك مقصود داشته و داریم و آن این است که این املاک بر گردد بصاحبان آنها بيك صورت بهتر و سهلتری از این جهت این راه حلی که بنظر بنده رسیده موافقت بفرمائید و بنده خیال میکنم

آقایانی هم که در این قضیه ذی سهم هستند ضرری نمیبینند بلکه نفعشان هم در این کار خواهد بود.
نقابت - مخبر کمیسیون دادگستری - خاطر آقایان مستحضر است که بنده از لحاظ مخبری همیشه در متن موضوعی که مطرح است با يك دلایل موجه و قانونی بعضی توضیحات عرض میکنم و هیچوقت وارد حواشی مطلب نمیشوم و هیچوقت نه سنگ انهامی بطرف کسی پرتاب نمیکنم و نه در مقابل بعضی نطق هائی که دارای يك حرارت و حواشی مختلفی است وارد میشوم فقط توضیحات لازمی را عرض میکنم (اعتبار - من نیت بکسی ندم) بنده خودم را عرض میکنم ولی چون فعلاً موضوع مهمی مطرح است و يك جماعت بسیاری شاید يك میلیون انتظار دارند که زودتر تکلیفشان معلوم شود و به بینند مجلس در مقابل این قانون چه میکند استدعا میکنم بکنند با احساسات را کنار بگذاریم یعنی هم موافق و هم مخالف صرفاً با احساسات صحبت نکنیم و منطقی و قوانینی که در دست داریم و لازم الرعایه است رعایت کنیم البته خاطر آقایان مستحضر است که اعلیحضرت شاه سابق بموجب يك صلحنامه این املاک را با اعلیحضرت فعلی تسلیم کرده است ایشان هم بدولت ایران یعنی بملت ایران واگذار کرده اند با قید اینکه اگر اشخاصی حقی دارند و دعاوی دارند بدعاوی آنها رسیدگی شود و احقاق حق آنها بشود پس این بر گذاری با فرض صحت با فرض اینکه تمام آن اسناد مالکیت معتبر باشد بر گذاری و صلحی مشروط است یعنی ضمن العقد شرط شده است که اشخاص ذیحق را حقیقتاً را بدهند بنا بر این در صورت فعلی این املاک برای دولت این مملك او نیست با آن عقد صلح یعنی الان دولت ایران مالك حقیقی این املاک نخواهد بود مگر اینکه دعاوی راجعه باین املاک تشخیص نشده و در حدود قانون قطع شود آنوقت دولت تصرف کند حالا ما می خواهیم احقاق حق کنیم البته شاکی پیدا میشود يك میلیون دو میلیون بیشتر و کمتر ماسمی توایم تشخیص بدهیم بدون رسیدگی و قضاوت و بدون گذراندن این قانون بطور کلی بگوئیم اینها مفتخوار

هستند با اینکه دولت تشویق از مفتخوری میکنند و نمیتوانیم بگوئیم مجلس حمایت از مفتخوری میکند باید اشخاص شکایت خودشان را بکنند دلایل خودشان را بگویند تا معلوم شود مفتخورند یا نه اگر معلوم شد مفتخورند آنوقت مطابق این قانون خسارت محاکمه را هم باید بپردازند و اگر مفتخور نبودند ندهند اما آمدیم سر اصطلاح مفتخوری (افشار و اولش کنید دیگر آقا (بعضی از نمایندگان کان - دیگر معارض نکنید) بسیار خوب اگر آقایان دیگر در این باب صحبت نخواهند فرمود بنده هم دیگر در این خصوص چیزی عرض نمیکند يك لغت دیگری گفته شد که عمل غلط تر از این عمل کمیسیون دادگستری است چون بعضی از حرفها شانس این است که خیلی زنده باشد آنوقت مردم کوش میدهند ولی عرض کردم که بنده بحاشیه متوجه نمیشوم. حالا آمدیم سر این سه هزار تومان که این بخشودگی برای چیست البته نطق هائی که آقایان هر کدام در موقع طرح این لایحه فرموده اند اینها در صورت مجلس مذاکرات درج است در اینجا همه با يك حرارتی گفتند اینها مال مردم است بدهید برود بی کارش لایحه باین طول و تفصیلی معنی ندارد یکی از مخالفین هم خود بنده بودم که با این لایحه مخالف بودم اما بعد صحبت که شد ما را بهر کک گرفتند که به تب راضی شدیم گفتیم حالا در این فصل فحطی و بدبختی دنیا اگر بنا باشد شما از کرمان و یزد زارع بردارید و برید مالزندان و يك پول گزافی هم خرج این کار بکنید بالاخره این صلاح و صرفه مملکت نیست باین جهت گفتیم بگذارید زارعین بروند سر املاک و زراعت کنند حتی آقای اورنگ گفتند آخرش که يك چیزی میدهید به مردم حالا بگذارید بروند و مشغول شوند آمدیم سرسی هزار ریال این مبلغ وافی بتمام حق هست یا نیست بگذارید این حق داده شود آخر دیگر تجدید مطلق نکنیم آن دردهای بیدرمانی را که آقایان آمدند پشت تریبون و گفتند که اشخاص را گرفتند و بردند حبس کردند کتک زدند و بزور از آنها سند گرفتند در سند هم نوشتند بدست هزار ریال تشری هزار ریال این مبلغ را هم عمال گرفته اند

و خورده اند و نداده اند اینها حرفهائی بود که در اینجا گفته شد چرا که هم نوشتند معینا دیگر نخواستیم تجدید مطلع کنیم در مقابل تمام این وضعیات که ملکش را گرفته اند و هیچ نداده اند و بعد در فاصله این مدت هم به او هیچ چیز نداده اند حالا هم بابت منافع چیزی داده نمیشود بنا بر این آمدیم و یک منطقه ارفاقی در نظر گرفته شد بعنوان حمایت از خرده مالک که تا سی هزار ریال را معاف کنیم برای اینکه بیش از سی هزار ریال نمیشد حالا میفرمایند که خوب سی و چند هزار ریالی چه گناهی کرده آقای دشتی هم فرمودند این حرف صحیحی است و پیشنهادی هم شده بود که پنجاه نفر از آقایان هم امضا کرده بودند که تا پنجاه هزار ریال معاف باشند در کمیسیون پس از مذاکرات زیاد اینها نظر شد که این سی هزار ریال ماخذ باشد حتی اشخاصی که پنجاه هزار ریال سند دارند سی هزار ریال اولی جز معافی عمومی باشد و بیست هزار ریال دیگرش را بدهند و بالاخره بعد از مطالعه در کمیسیون این جور شد که اینها باید طبقه بندی بشوند مثلاً یک کسی در ۱۳۰۵ ملکش گرفته شده آقای مؤید احمدی این پیشنهاد را کردند یکی در ۱۳۱۰ یکی در ۱۳۱۵ یکی در ۱۳۱۶ با آن کسی که در ۱۳۱۶ با آن کسی که ملکش در ۱۳۱۸ گرفته شده است فرق دارد بایستی البته به آن کسی که چند سال قبل ملکش را گرفته اند باو بیشتر داد دیدیم که خوب اگر نسبت بهر مورد خاصی بخواهند یک طور توجه بکنند این قضیه یک دنباله پیدا میکند باین جهت در مورد اموال غصب شده که بند الف باشد ذکر شد که آن هیئت نظر دارد باوضاع و احوال و کیفیت یعنی همین مسائلی که عرض کردم یعنی کسی که ملکش را پار سال گرفته اند با آن کسی که ده سال پیش گرفته اند از لحاظ عدل و انصاف تفاوت دارد این را سه هزار ریال بدهند آرا هم سه هزار ریال بلکه یک تفاوتی باید قائل شد اما در مورد این معاملات در کمیسیون گفته شد بطور کلی و بنحو اطلاق نخواستیم این معاملات را در این قانون گفته باشیم ولی گفتیم این سه هزار تومان را بطور مطلق در نظر

بگیرید و این سه هزار تومان را مالک قرار دهید و معذات نسبت به آن هفت سال بیشتر چون دولت موافقت نکرد و دیگران هم چاره ای نداشتند بنا بود که با معارضه شدیدی بکنند با دولت یا بالاخره یک موافقتی و راه مسالمتی را اختیار کنند باین طریق کمیسیون با دولت صلح کرد که آن قسمت را اول کند و این قسمت را تا سه هزار تومان خانم بدهد حالا اگر واقعا مجلس از لحاظ اصل بخواهند بگویند این سه هزار تومان یا پنج هزار تومانی سه هزار تومانش را بدهد و دو هزار تومانش را بدهد برای اینکه یک مساواتی ایجاد شده باشد خوب این یک حرفی است و بسته بنظر مجلس است ولی نظر کمیسیون بانام این مسائلی که مذاکره کرد این بود اما این نکته که فرمودند خوب بیست ده ساله بدهیم عمده سه هزار تومان را بگیریم و تمام اقساط سه هزار تومان را با قسط ده ساله بگیریم اینجا توجه بفرمائید البته هر پولی که دولت باشخاص میدهد این مطابق قاعده زولی دارد که کمتر از صدی ده هیچ باسکنی نمیدهد پس شما مالک را تصرف از میدهید حالا باید سه یا پنجاه هزار تومان ده ساله بدهد زولی صد ده را حساب کنید سه هزار تومان در سال میشود سیصد تومان شما ده ساله میخواهید بگیرید یعنی هیچ انگیر پیدا کرد بخواهید تقسیم بکنید هزار و نهصد تومانش از بین می رود و آوقت باید یک اداره مفصلی با یک خرج طولانی مثل اداره بانک کشاورزی راجع به مطالبات بانک روس باز کنید و آوقت این بودجه هزار و نهصد تومان را هم خرج آنها بکنید تا ده سال این اقساط را وصول کنید و بهتر این است که از این صرف نظر کنید پنج سال هم قید شده است برای اشخاصی که زائد بر اینها است و پولهای ندارند باین هیئت اختیار داده شد که میتوانند با قسط فرار دهند تا میزانی که از پنج سال تجاوز نکند ممکن است خود طرف تقاضی کند که حتماً این کار بشود باین جهت در اینجا قید شده است یک نکته دیگر آقای مؤید احمدی راجع به تجزیه این ماده فرمودند البته تجزیه یک حق نظامنامه است و در موقع رعایت خواهد شد ولی بر سهیل تذکر خواستم عرض کنم بایشان که ماده ۱۴

یک اشعابی دارد که تمام مقرراتش بیکدیگر مترج شده یعنی یک اثر یکب مزجی پیدا کرده مثلاً شق ب و ج و د همه نوی هم است مثلاً در شق (ج) گفته میشود در مورد شکایتی که بیش از سی هزار ریال باشد و با خمس تفاوت باشد و چه و چه اینها بهم مربوط است و طوری مطالب تنظیم شده است که تجزیه اش مشکل است و نمیشود بند بندش را جدا کرد و حقیقه آنکه این نظر باشد بعقیده بنده باید ماده برگردد کمیسیون و حذر کمیسیون تجزیه شود و نظریاتی هم که آقایان دارند تشریف بیاورند در کمیسیون مذاکره شود و یک راه حل اساسی برایش پیدا کنیم والا اینجا در مجلس و با عجله و تحت یک فرمولهای نظامنامه ای یک چیزی ممکن است از آب دربیاید که غیر عملی باشد و مهمتر بن مواد این لایحه هم همین ماده ۱۴ است این تذکراتی بود که در جواب آقایان لازم بود عرض کنم.

نایب رئیس - آقای بهبهانی

چون در جلسه قبل یک مذاکره نسبت به پیشنهادات در کمیسیون عدلیه شد که شاید سوء تفاهاتی تولید کرده باشد و بعضی آقایان تصور کنند که واقعا در مجلس یک گفتگوهایی شد که شاید نظریات خصوصی در کار باشد بنده که عضویت کمیسیون را دارم خودم را مکلف دانستم که بعضی از مطالب جوابی عرض کرده باشم البته آقایان تصدیق میفرمایند که هر کمیسیونی در رد و قبول پیشنهادات آزاد است و آزادی او هم البته باید باشد چون افکار و نظریات در مطالب فرق میکنند بعضی ها خیال میکنند که آنکس که پیشنهاد کرده است البته روی نظر صحیحی که خودش داشته کرده است ممکن است آن نظر او مخالف باشد بانظر کمیسیون یا با آن جمعیتی که تشکیل میشود آنها روی دلائل دیگری پیشنهادات را رد میکنند منجمله اینجا بعضی از آقایان فرمودند پیشنهادی شده بود راجع به الغاء معاملاتی که از اول شهریور باینطرف شده است و این در کمیسیون محل نظر واقع نشده و در همین خصوص هم گفته شد که اینجا نظر خصوصی و شخصی اعمال میشود بنده عرض میکنم نظر خصوصی

و شخصی نبود این پیشنهاد بواسطه اینکه تکلیف شرعی و قانونی مجلس بوده کمیسیون نمیتوانسته است شرعاً و قانوناً وارد این پیشنهاد بشود و این را با این پیشنهاد این پیشنهاد را قبول نکرد چرا که برای اینکه کلیه معاملات یک جنبه شرعی دارد و یک قانون شرعی و علاوه بر این یک قانونی هم در مجلس برای اشخاص که بتوانند آزادانه بر وندیک معاملات بکنند البته آنها باید مردمان عاقلی باشند و کلاهشان ریشت معر که نگذارند و گول نخورند البته اگر معاملات آن کرده اند قانون و شرع آن معاملات را امضاء کرده مجلس چه میتواند بکند آن معاملات صورت قانونی ندارد بلی ممکن است یک اشخاصی کلاه برداری کرده باشند یا یک اشخاصی مردم را با یک چیزهایی مغرور کرده باشند و معاملات آن کرده باشند آنها را قانونیست باز است ممکن است بروند در مقامات صالحه و تعاونی کلاه برداری با چیز دیگر بکنند ولی در هر صورت بنده نمیخواهم تردید کنم این معاملات را که از اول شهر بود منعقد شده اگر شده باشد بنده هم بد میدانم این معاملات را خوب هم میدانم البته اگر اشخاصی کرده باشند بنده خبر ندارم ولی همین مذاکرات مجلس را کافی میدانم در اینجا کسی را بخواهند کلاهش را بردارند بفهمد یا اینکه گفته میشود بعضی از آقایان فرمودند که اینجا از مال بیت المال پیشنهادی شده است پنجاه هزار تومان و این مال مال دولت است یا مال ملت است البته این هم یک مطلب نظری است و نظر مخالف است حالا شاید نظر آقایان در این امر صائب باشد ولی در هر حال آقای نقابت مطلب را مشروحتر و بهتر بیان کردند که اصلاً این املاک مادام که حقوق مردم محفوظ نشده است درس این هنوز معلوم نیست مال کیست و البته این نکته را باید عرض کنم که وقتی یک ملکی از شخصی معلوم شد که بغصب گرفته و حالا باید بهش مسترد شود البته نخواست یعنی دولت نخواست کمیسیون بگوید که آن مال با منافعتش باید برگردد صاحبش برای آن محظوظی که داشته است ولی بالاخره آن اشخاصی که پیشنهاد کردند که پنجاه هزار یا سه هزار تومان تصویب کردند این روی استرداد بی منفعت و بی حاصل بوده است و شرعاً و

و خورده اند و نداده اند اینها حرفهایی بود که در اینجا گفته شد جرائد هم نوشتند مهنا دیگر نخواستیم تجدید مطلع کنیم در مقابل تمام این وضعیات که ملکش را گرفته اند و هیچ نداده اند و بعد در فاصله این مدت هم به او هیچ چیز نداده اند حالا هم بابت منافع چیزی داده نمیشود بنا بر این آمدیم و یک منطلق ارفاقی در نظر گرفته شد بعنوان حمایت از خرده مالک که تاسی هزار ریال را معاف کنیم برای اینکه بیش از سی هزار ریال نمیشد حالا میفرمایند که خوب سی و چند هزار ریالی چه گناهی کرده آقای دشتی هم فرمودند این حرف صحیحی است و پیشنهادی هم شده بود که پنجاه نفر از آقایان هم امضا کرده بودند که تا پنجاه هزار ریال معاف باشند در کمیسیون پس از مذاکرات زیاد اینطور شد که این سی هزار ریال ماخذ باشد حتی اشخاصی که پنجاه هزار ریال سند دارند سی هزار ریال اولی جز معافی عمومی باشد و بیست هزار ریال دیگرش را بدهند و بالاخره بعد از معامله در کمیسیون این جور شد که آنها باید طبقه بندی بشوند مثلاً یک کسی در ۱۳۰۵ ملکش گرفته شده آقای مؤید احمدی این پیشنهاد را کردند یکی در ۱۳۱۰ یکی در ۱۳۱۵ یکی در ۱۳۱۶ با آن کسی که در ۱۳۱۶ با آن کسی که ملکش در ۱۳۱۸ گرفته شده است فرق دارد بایستی البته به آن کسی که چند سال قبل ملکش را گرفته اند باو بیشتر داد دیدیم که خوب اگر نسبت بهر مورد خاصی بخواهند یک طور توجه بکنند این قضیه یک دنباله پیدا میکند باین جهت در مورد اموال غصب شده که بند الف باشد ذکر شد که آن هیئت نظر دارد باوضاع و احوال و کیفیت یعنی همین مسائلی که عرض کردم یعنی کسی که ملکش را پارسال گرفته اند با آن کسی که ده سال پیش گرفته اند از لحاظ عدل و انصاف تفاوت دارد این راسه هزار ریال بدهند آراهم سه هزار ریال بلکه یک تفاوتی باید قائل شد اما در مورد این معاملات در کمیسیون گفته شد بطور کلی و بنحو اطلاق نخواستیم این معاملات را در این قانون گفته باشیم ولی گفتیم این سه هزار تومان را بطور مطلق در نظر

بگیرند و این سه هزار تومان را مالک قرار دهید و معذات نسبت بآن هفت سال بیشتر چون دولت موافقت نکرد دیگران هم چاره ای نداشتند بنا بود که یا معارضه شدیدی بکنند بادولت یا بالاخره یک موافقتی و راه مسالمتی را اختیار کنند باین طریق کمیسیون با دولت صلح کرد که آن قسمت را ول کنند و این قسمت را تا سه هزار تومان خاتمه بدهد حالا اگر واقعا مجلس از لحاظ اصل بخواهند بگویند این سه هزار تومان یا پنج هزار تومانی سه هزار تومان را بدهد و دو هزار تومانش را بدهد برای اینکه یک مساواتی ایجاد شده باشد خوب این یک حرفی است و بسته بنظر مجلس است ولی نظر کمیسیون بانام این مسائلی که مذاکره کرد این بود اما این نکته که فرمودند خوب است ده ساله بدهیم عمده سه هزار تومان را بگیریم و تمام اقساط سه هزار تومان را باقی بماند ده ساله بگیریم اینجا توجه بفرمائید البته هر پولی که دولت باشخاص میدهد این مطابق قاعده تزوکی دارد که کمتر از صدی ده هیچ باسکی نمیدهد پس شما ملک را بتصرف از میدهید حالا باید سه یا پنجاه هزار تومان ده ساله بدهد تزول صد ده را حساب کنید سه هزار تومان در سال میشود سیصد تومان شما ده ساله میخواهید بگیرید یعنی هیچ نگیرید اگر بخواهید تقسیم بکنید هزار و نهصد تومانش از بین می رود و آنوقت باید یک اداره مفصلی با یک خرج طولانی مثل اداره بانک کشاورزی راجع به مطالبات بانک روس باز کنید و آنوقت این بودجه هزار و پانصد تومان را هم خرج آنها بکنید تا ده سال این اقساط را وصول کنید و بهتر این است که از این صرف نظر کنید پنج سال هم قید شده است برای اشخاصی که زائد بر اینهاست و پولهایی ندارند باین هیئت اختیار داده شد که میتوانند باقساط قرار دهند تا میزانی که از پنج سال تجاوز نکند ممکن است خود طرف تقاضی کنند که حتماً این کار بشود باین جهت در اینجا قید شده است یک نکته دیگر آقای مؤید احمدی راجع به تجزیه این ماده فرمودند البته تجزیه یک حق نظامنامه است و در موقع رعایت خواهد شد ولی بر سبیل تذکر خواستم عرض کنم بایشان که ماده ۱۴

یک اشعابی دارد که تمام مقرراتش بیکدیگر متمم شده یعنی یک ترتیب مزجی پیدا کرده مثلاً شق ب و ج و د همه نوبی هم است مثلاً در شق (ج) گفته میشود در مورد شکایتی که بیش از سی هزار ریال باشد و یا خمس تفاوت باشد و چه وجه اینها بهم مربوط است و بطوری مطلب تنظیم شده است که تجزیه اش مشکل است و نمیشود بند بندش را جدا کرد و حقیقه اگر این نظر باشد بمقیده بنده باید ماده برگردد کمیسیون و در کمیسیون تجزیه شود و نظریاتی هم که آقایان دارند تشریف بیاورند در کمیسیون مذاکره شود و یک راه حل اساسی برایش پیدا کنیم والا اینجا در مجلس باعجله و تحت یک فرمولهای نظامنامه ای یک چیزی ممکن است از آب دربیاید که غیر عملی باشد و مهمترین مواد این لایحه هم همین ماده ۱۴ است این تذکراتی بود که در جواب آقایان لازم بود عرض کنیم.

نایب رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - چون در جلسه قبل یک مذاکراتی نسبت به پیشنهادات در کمیسیون عدلیه شد که شاید سوء تفاهاتی تولید کرده باشد و بعضی آقایان تصور کنند که واقعا در مجلس یک گفته گوهائی شد که شاید نظریات خصوصی در کار باشد بنده که عضویت کمیسیون را دارم خودم را مکلف دانستم که بعضی از مطالب جوابی عرض کرده باشم البته آقایان تصدیق میفرمایند که هر کمیسیونی در رد و قبول پیشنهادات آزاد است و آزادی او هم البته باید باشد چون افکار و نظریات در مطالب فرق میکنند بعضی ها خیال میکنند که آنکسی که پیشنهاد کرده است البته روی نظر صحیحی که خودش داشته کرده است ممکن است آن نظر او مخالف باشد با نظر کمیسیون با آن جمعیتی که تشکیل میشود آنها روی دلایل دیگری پیشنهادات را رد میکنند منجمله اینجا بعضی از آقایان فرمودند پیشنهادی شده بود راجع به الفاء معاملات که از اول شهر یور باینطرف شده است و این در کمیسیون محل نظر واقع نشده و در همین خصوص هم گفته شد که اینجا نظر خصوصی و شخصی اعمال میشود بنده عرض میکنم نظر خصوصی

و شخصی نبود این پیشنهاد بواسطه اینکه تکلیف شرعی و قانونی مجلس نبوده کمیسیون نمیتوانسته است شرعاً و قانوناً وارد این پیشنهاد بشود و این در این باب وارد شد و این پیشنهاد را قبول نکرد چرا که برای اینکه کلیه معاملات یک جنبه شرعی دارد و یک قانون شرعی و علاوه بر این یک قانونی هم در مجلس برای اشخاص که بتوانند آزادانه بروند یک معاملاتی بکنند البته آنها باید مردمان عاقلی باشند و کلاهشان را پشت معرکه نگذارند و کول نخورند البته اگر معاملات آن کرده اند قانون و شرع آن معاملات را امضاء کرده مجلس چه طور میتواند بگوید آن معاملات صورت قانونی ندارد بلی ممکن است یک اشخاصی کلاه برداری کرده باشند یک اشخاصی مردم را بیک چیز هائی مغرور کرده باشند و معاملات آن کرده باشند آنها هم راه قانونی باز است ممکن است بروند در مقامات مسالحه و دعاوی کلاه برداری با چیز دیگر بکنند ولی در هر صورت بنده نمیخواهم تردید کنم این معاملات را که از اول شهر یور منعقد شده اگر شده باشند بنده هم بد میدانم این معاملات را خوب هم میدانم البته اگر اشخاصی کرده باشند بنده خبر ندارم ولی همین مذاکرات مجلس را کافی میدانم در اینکه کسی را بخواهند کلاهش را بردارند بفهمد یا اینکه گفته میشود بعضی از آقایان فرمودند که اینجا از مال بیت المال پیشنهادی شده است پنجاه هزار تومان و این مال دولتی است یا مال ملت است البته این هم یک مطلب نظری است و نظرها مختلف است حالا شاید نظر آقایان در این امر سائب باشد ولی در هر حال آقایان تقابست مطالب را مشروحتر و بهتر بیان کردند که اصلاً این املاک مادام که حقوق مردم ماحوظ نشده است درش این هنوز معلوم نیست مال کیست و البته این نکته را باید عرض کنم که وقتی یک مالکی از شخصی معلوم شد که بفسد گرفته و حالا باید بهش مشرد شود البته نخواست یعنی دولت نخواست کمیسیون بگوید که آن مال با منافعتش باید برگردد بنا حبش برای آن محظوظانی که داشته است ولی بالاخره آن اشخاصی که پیشنهاد کردند که پنجاه هزار یا سه هزار تومان تصویب کردند این روی استرداد بی منفعت و بی حاصل بوده است و شرعاً و

درباره عاده و اخلاقاً و وجداناً هر ملکی که غصب شده آن ملک عایدانی داشته است که بصاحب ملک باید پس بدهند عایدانش را بنا بر این اختلاف نظر است نه اینکه مال بیت المال باشد و از مال بیت المال پیشنهادی شده باشد و کمیسیون برخلاف وظیفه عمل کرده باشد این عرایض را خواستم عرض کنم و البته آقایان میدانند که عرایض بنده بدون نظر شخصی و خصوصی است و فقط راجع باین است که بدانند که کمیسیون که بنده هم افتخار عضویت آنرا دارم کاری برخلاف نکرده است البته نظرها مختلف است در قانون هم روی اختلاف نظر صحبت میشود.

وزیر دادگستری - عرض میکنم.

دشمنی - اینکه میشود سه موافق پشت سر هم حرف بزنند. وزیر دادگستری - گمان میکنم وزیر هر موقع مقتضی بداند میتواند صحبت کند و بنده که خواستم چند کلمه عرض کنم برای این است که میترسم باز امروز هم وقت بگذرد و ما در خم همین ماده ۱۴ بمالیم بدون اینکه تکلیفی معین شود متأسفانه ما در حال افراط و تفریط هستیم در اینجا گروهی را عقیده بر این است که نباید چیزی داد و گروهی را عقیده بر این است که این چیزی که داده میشود کم است خوب بالاخره هر یک از طرفین هم منطقی برای اثبات مدعای خودشان ذکر میفرمایند و به نطق دیگران هم حمله میکنند و او را بپاره و با پا چاره اش میدانند و بالاخره باید خاتمه داد باین کار. ملاحظه فرمائید اینکه راجع به سه هزار تومان که گفته شد اولاً این سه هزار تومان نیست ثانیاً سه هزار تومان گفته شده یعنی یک عده خرده مالکی که گفته شده است و قیمت آن ملک در حدود مثلاً صد ریال هزار ریال قیمت داشته باشد بآن جهانی که همه آقایان میدانند و بعضی آقایان هم اینجا ذکر فرمودند رعایت آنها مقتضی این است ناسی هزار ریال را معاف بداریم و ملک را همینطور بآنها رد کنیم این هم بعد از دقت های بسیاری بود که شد و طبقه بندی بود که بچه صورت در بیاید و به هیچ مختلفی اصلاح موضوع در نظر گرفته شد و بعد دیده شد که بهتر است که بآن صورت در بیاید و در نتیجه گرفته

کردیم که ممکن است با قسط رفتار شود حالا اگر این پیشنهاد راجع به سی هزار ریال رد شود باید که میزان قسط بندی و پنج ساله یا هفت ساله یا کمتر یا بیشتر در آن حدود توافق نظری حاصل شود اگر چنانچه نظر اکثریت مجلس در این باشد که این سی هزار ریال باقی بماند که این هم سر جای خودش هست و موضوع اقساط پنج ساله هم نظر هیئت های رسیدگی در مواردی که ضرورت پیدا کند ممکن است اعمال شود. راجع بازادی معاملات و موضوع آن ماده الحاقیه که آقای بهبهانی اینجا ذکر کردند بنده عرض کردم در جلسه گذشته در کمیسیون مورد مذاکره شد و دلایل آن هم گفته شد و مسکوت ماند و حالا صاحب پیشنهاد اگر پیشنهاد بفرماید دولت هم موافقت مندماند با آن پیشنهاد بنده هم پیشنهاد مفیدی میدانم و میشود قبول کرد در اینجا آقایان پیشنهاد کنند بنده قبول میکنم و در هر صورت دولت و قوه مقننه تکلیف دارند که جاو حبله در معاملات را بگیرند اگر اشخاصی در صدد باشند که سوء استفاده در بعضی معاملات بکنند و مقرراتی برای این کار باشد اگر لازم باشد در یک موردی تصریح بیک مقرراتی بشود مالمی ندارد که این امر بشود در هر حال بنده معلوم میکنم اما دفعه هم عرض کردم این پیشنهاد را بنده هم موافقت میکنم اما راجع به ماده ۱۲ بنده میخواستم بدون اینکه صحبت های گذشته تکرار شود این قسمت لا و نعم تکلیفش معلوم شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

جمعی دیگر - در پیشنهادها هم بعد میشود صحبت کرد کافی است.

نایب رئیس - چون اجازه داده شده بعد از بنده بدفایت

مذاکرات رأی گرفته خواهد شد. آقای فرمالفر مالیان فرمالفر مالیان - این قانون بنظر بنده یک اثر محدودی دارد و آن راجع باسترداد املاکی است که گفته میشود غصب شده و بعنوان دیگری سابق مالکیت شده است ولی یک اثر مهمتری دارد که بنده در آن قسمت بیشتر ذی نظر هستم و وسیع تر است از نقطه نظر اجتماعی و آن این است

که این قانون را بعد از پانزده سال مجلس شورای ملی خواسته است حق گذاری کند و هیچ منتهی هم بر مردم ندارد بنده اصلاً میخواستم برای تذکره عریضی بکنم و عقیده مندم که در آتی قبل از دستور روزی چند بند از قانون اساسی اینجا فراتر بشود برای اینکه مدتهاست مانده آنها با قانون اساسی تماس و آشنائی ندارد اصلاً بنده میترسم که خود قضات محترم هم فراموش کرده باشند من جمله اصل پانزدهم میگوید هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تأیید قسماً عاده آن است اصل شانزدهم - ضبط املاک و اموال مردم بعنوان عیارات و سب است ممنوع است مگر بحکم قانون. اصل هفدهم سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و دارائی متصرفین ایشان بغير عنوان که باشد ممنوع است مگر بحکم قانون. این سه اصل در مدت این پانزده سال و بیست سال دائماً چه بدست هیئت هستی قضائی ما و چه بدست تشکیلات دیگری که برای مملکت و برای ملت ایجاد شده بود و همه امید داشتند برای آنها با اینها کاری نکنند این سه اصل کاملاً باعمال شده و در هر موردی هم که پیش آمده است کمترین توجهی باین سه اصل نکرده اند. این است که بنده باین قانون اگر این چند کلمه را عرض میکنم از نظر عمومی و جنبه اجتماعی این قانون است که اهمیت میدهد و الا آنها که املاکشان غصب شده است آنها البته در جماعت ایرانی عده معدودی هستند و آن ضربهائی که آنها خورده اند دیگران دستی از دور بر آتش داشته اند و البته احساسیات آنها با آنها یکسان نمیتواند باشد و این مسأله است و بعد در خود این ماده چهاردهم اولاً در این قسمت باصراحه در خود ماده مینویسد که: در صورتیکه ملکی بدون معامله غصباً تصرف شده باشد دیگر اینجا خیلی کار را سهل و ساده میکنند آقایان این مقدمه را اینجا ذکر میفرمایند بعد انواع و اقسام بیج و خم ها در اطرافش میکشند آگس ملک غصب شده است مگر غیر از این است که باید پس داده شود و بلکه بعقیده بنده این ماده هم بگذرد ما از طرف آن

فاصله نسبت به مردم کمال معذرت را هم بخواهیم زیرا مجلس شورای ملی وجود داشته است اگر دوره قمرت بود و مجلس شورای ملی نبود باز بمراتب سهل تر بود این مذاکرات ولی مجلس شورای ملی وجود داشت و این اعمال روزانه تکرار میشد پس در اینجا نباید يك عنواناتی کرد مثل اینکه ما میآئیم میگوئیم ملکشان را میخواهیم پس بدهیم گاهی اوقات میگوئیم نمیدانیم اینها کسی هستند گاهی وقتها میگوئیم ترقیات محیر العقول که در امر نلاحظ شده است بنده تعجب میکنم ملکی که گرفته اند باید پس بدهند کارخانه اگر نوی این ملک ساخته شده است کارخانه مال دولت صاحب ملک کارخانه نمیخواهد قصر نمیخواهد مزرعه میخواهد که شلوک توپش بکار مرع میخواهد که گاوش در آنجا بچرد قصر میخواهد چه کند شما قصر را بدهید بصاحب ملک اصلاً توپش در میماند که چه کند باید آقا ملکی که مقصوبه است بدون هیچ قید و شرط باو داده شود کمال اعتذار را هم از آن طرف بخواهیم آنچه هم که در این مدت از بابت سنوات دیگری استفاده کرده است آرا هم حساب کنند بدهند بنده املاک مازندران را هیچ ندیده ام ولی علم الیقین دارم که هیچ نوع ترقیات محیر العقول آنجا نشده است ترقیات این است که جاده ساخته شده است این چه ربطی دارد باینکه آبهاری فلان مزرعه شده است یا نه بنده آطوریکه شنیده و دیده ام عمل مازندران در آذربایجان پیدا شده بود و همه مازندران بودند و جلای وطن کرده بودند چون چیزی نداشتند برای قوت لایموت خودشان معطل بودند و میآمدند در راه آهن آذربایجان کار میکردند این است که در این قسمت غصب عقیده بنده این است که حکم بعقیده بنده و چیز دیگر هر چه باشد اینها ادامه دادن بهمان سیستم است گفته میشود آمدیم آبهاری که صورت ظاهرش غصب هم نشده است آقایان که همه علم دارید در همین جا هم گفته شد آنها هم که ظاهراً غصب نشده است و يك صورت مالکیتی دارد آن هم در معنی غصب است ما در وضع قانون باید بمعنی بر بخواهیم یا به صورت ظواهری که بوده است ؟

البته کمتر اتفاق میافتد که سندی نباشد لکن تهیه آن سند و انجام آن نشریاتی که برای يك سندی لازم است که برای آن شخص در آن زمان اشکالی نداشته است مثلاً در بند (ه) از این ماده بنویسد در صورت موافقت دولت از نظر مصالح عمومی کشور این جمله هم بنظر بنده از آن جملاتی است که خیالی بیهورد استعمال شده است و هیچ هم معنی ندارد يك جمله بوجوهی است که در اینجا استعمال میشود آنچه برای يك نظریاتی است در اینجا هم البته بنده یقین دارم که امروز کسی نظریات خاصی ندارد و اینها مسائل عادی است و این جمله بر اثر مصالح عالیه کشور کدام مصالح عالیه ملک در مازندران با ملک آذربایجان چه فرقی دارد در قزوین در سیاه دهن برای مصالح عالیه کشور اشغال شده است آقا (یکی از نمایندگان - اشغال شده است) سیاه دهن با املاک مازندران چه فرقی دارد آن شخص يك تعلق خاطری داشت بهر چیزی که شینی بود در این مملکت زمین و خاک و خانه هر چیزیکه شینی بود این خواه در آذربایجان بود یا در مازندران یا کرمانشاه یا خوزستان و هیکذا جاهای دیگر این جمله از جملات زائده و جملات مهمله است و بهتر این است که حذف شود چون مصالح عالیه کشور ایجاب نمیکرد است ملک مردم را ببرد برای منافع شخصی ایجاد باغات کند یا کار دیگری بکند راجع به تعویض این که در اینجا نوشته شده است مسئله تعویض در همین بند (ه) در اینجا مشکل فوق العاده ای ایجاد میشود آقایان تصور نفرمایند بنده یقین دارم تصورش را نمیفرمایید ولی گفته میشود و آنها یکسکه اطلاع دارند میدانند که اینطور نیست و آن این است که تصور نفرمایند همه از این تعویض استفاده کرده باشند بعضیها در آذربایجان ملک عوض گرفته اند ولی بنده نمیدانم ملکی که در مازندران داشته اند چه قدر خوب بوده که اینها را عوض داده اند و لکن عده کثیری از آنها را میشناسم که بدبخت ترین اشخاص هستند بنده در مازندران مشخصاً میشناسم کسیه ملک داشته اند و در آذربایجان آمده اند روی يك اصول غلطی ملک تقدیم کرده اند و از

فلان ملک خالصه دو دانگ با آنها داده اند و آنها هم هیچ اطلاعی نداشته اند و بالاخره آنها را مجبور کردند که آن ملک را از دست بدهند و البته در بینه اینها بی عدالتی نیست که آنها را برگردانند بهمان ملکی که روز اول داشته اند آنها حاضرند چیزی دست بدهند که اگر برگردند بن ملک و البته این مسئله اساسی را باید در این قانون در نظر گرفت بنده از نظر عمومی يك عریضی عرض می کنم و البته نباید يك کاری کرد که اصل مالکیت در این قانون متزلزل شود این قانون يك کیفیت زنده ایست برای آینده که جلوگیری میکند از این افکار شوم و از انشکاف حرس و آزما که انسان بتواند چهار سباحی یا چند سالی بنام قرن در يك مملکتی حکومت کند و نتواند و بدین فکر بفتد که اموال خصوصی مردم را تصاحب کند بنده باین قانون از این نظر اهمیت میدهم که این قانون ممکن است تأثیراتش تا پنجاه سال دیگر حقیقت پیدا کند و در واقع يك درس عبرتی باشد برای دیگران که انسان نمیتواند پیش بینی کند که آن دیگران چگونه تولید میشوند و از این گونه املاک البته در مازندران تنها نیست آقایان اطلاع دارید که در مجلس يك دفتر مخصوص بود که آنها ادای وظایف و جدایی و قانونی خودشان را بجا میاوردند و در مجلس قبلاً میگردند و به علاوه در جاهای دیگر هم حقه های عجیبی میزدند و برای سپردن ملک مردم چکی بابت قیمت ملک امضا می کردند و می دادند و بعد پس می گرفتند و این اشخاص چطور میتوانند شکایت و تظلم کنند و اگر هم میخواستند تظلم کنند بکنی بکنند لهذا بنده باین قانون اهمیت میدهم و این نشریات قانونی را هم زائد میدانم و باید این قانون را بطور خیلی ساده نوشت بعضی جاها گفته میشود که این اموال را نگاهداریم و جز اقلام بود چه باشد مثل خالصجات اینها هم باشد و سالی پنجاه شصت میایدون در آمد دارد چه ضرر دارد باشد بنظر بنده این فکر غلطی است این چه حرفی است که میزند اصلاً ریشه این منطلق غلط است در اینجا آقای مخبر بیانات فصیح اظهار فرمودند که فلان

آدمی که این املاک مال او بوده است مصالحه کرده بدیگری و آن دیگری هم برای احقاق حق اشخاص واگذار کرده بدولت که رسیدگی کند که اگر واقعاً غصب شده است پس بدهند همه میدانیم که این املاک چطور بدست آمده و چطور صلح شده است اصلاً آن صلح غلط است این املاک مال مردم است و امروز هم کوچکترین وظیفه مجلس شورای ملی تصویب این قانون است و از تمام قوانینی که از مجلس شورای ملی گذشته این قانون بهتر است زیرا این قانون راجع ببات عده مازندران نیست راجع بتمام مملکت است و این قانون اثرات آنی در مملکت دارد و آن اثرات را بیشتر باید محسوس داد تا اثرات آنی آرا (صحیح است ... احسن است) چه می از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 طباطبائی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات .
 نایب رئیس - بفرمائید .
 طباطبائی - بنظر بنده درین ماده باید صحبت بیشتری شود مخصوصاً نسبت بقسمت سی هزار ریال که این قسمت بلا جواب مانده است اگر آقایان اجازه میدهند در این موضوع صحبت بیشتری شود .
 نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت دارند اظهار موافقت بفرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد . پیشنهادی از آقای مؤید احمدی رسیده است که این ماده بدینچیز جز تقسیم شود قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم ماده ۱۴ به پنج قسمت اجزیه شده بهتر يك جدا گانه رأی گرفته بشود .
 نایب رئیس - در پیشنهادی که نسبت به قسمت هاشده در هر قسمتی پیشنهاد آن قسمت خوانده میشود و بعد بآن قسمت رأی گرفته میشود . پیشنهادات قسمت الف قرائت میشود در ماده ۱۴ بند الف را بترتیب ذیل پیشنهاد میدارم .
 الف - در صورتیکه ملکی بدون عنوان معامله غصب شده حکم بر آن صادر میشود و اگر ساختمان مهم از قبیل کارخانه و میهمانخانه و قصر سلطنتی بنا شده باشد عیناً در تصرف

دولت باقی میماند - فرمانفرمایان .

نایب رئیس: آقای فرمانفرمایان .

فرمانفرمایان - بنده توضیحات زیادی ندارم عقیده ام این است که باید ملک که غصب شده است بدون هیچ شرط و قیدی بصاحب ملک داده شود و اگر کارخانه و قصر و با چیز دیگری ساخته شده است در آن این متعلق باو نیست و مال دولت است .

نایب رئیس - آقای انوار .

انوار - این پیشنهاد چیزی زائد ندارد و در قسمت الف اینها ذکر شده است .

وزیر دادگستری - برای اینکه مطلب خوب روشن شود و خود آقای فرمانفرمایان که این پیشنهاد را داده اند توجه بفرمایند چند کلمه توضیح میدهم . در خود ماده در بند الف نوشته شده است که بنده آنرا میخوانم تا متوجه شوند عین پیشنهاد ایشان در ماده هست مینویسد الف - در صورتیکه ملک بدون عنوان معامله غصباً تصرف شده باشد چنانچه تغییر مهمی از حیث بنا و غیر آن در آن حاصل نشده باشد حکم بر رد عین ملک داده خواهد شد و هرگاه ساختمان مهم یا تغییرات اساسی دیگری در ملک شده باشد حکم بر رد بهائی کنونی ملک مزبور (مطابق وضعیت روز تصرف) صادر میشود . در این موارد هیئت رسیدگی اختیار دارد علاوه بر رد عین ملک با توجه بمدت تصرف و مقدار ملک و اوضاع و احوال کار مبلغی که از سی هزار ریال تجاوز نماید بمنفع صاحب ملک حکم صادر کند . این ترتیب که در ماده ذکر شده تصور میکنم جامعتر و مفیدتر باشد و بهتر این است که پیشنهاد ایشان را پس بگیرند چون منظورشان تأمین شده است .

فرمانفرمایان - پیشنهاد بنده با این قسمت ماده فرق دارد رأی بگیرید .

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فرمانفرمایان آقایانی که موافقت اظهار موافقت بفرمایند (عده کمی قیام نمودند) رد شد . پیشنهاد دیگر .

تبصره ذیل را بماده ۱۴ قسمت الف پیشنهاد مینمایم : املاکی که غصب شده باید در آمد آنها تعیین شده پرداخته شود . ملک مدنی .

نایب رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - عرض کنم موضوعی که فعلاً در مجلس مطرح است بنظر بنده يك موضوع اصولی است و عقاید اشخاص مختلف است ، بنده ممکن است با یکی از نزدیکترین اشخاص که با بنده سالها است دوست و رفیق است در این موضوع بخصوص اختلاف عقیده داشته باشم و باید بنده عقیده خود را اینجا آزادانه اظهار کنم و نباید مورد تعرض و ایراد واقع شوم و هر کسی بتواند عقیده خود را بیان کند زیرا یکی از همان چیزهاییکه گفته شد بنده هم در شور اول در همین جا عرض کردم موضوع لایحه و اگذاری املاک است که این موضوع سابقه ندارد اول لایحه ایست که در مشروطیت ایران به مجلس آمده است و يك امر فوق العاده اساسی است یعنی هیچوقت در این مدت که مشروطیت بوده سابقه نداشته که املاک کسی را غصب کنند و ارزش سند رسمی بگیرند باین کیفیتی که همه آقایان مسبوق اند بنده خودم اعتقاد شخصیم این است همانطوریکه در اینجا هم عرض کردم مذاکرات بنده در اداره تند نویسی مجلس موجود است عمداً هم گفتم برای اینکه در دفتر یاد داشت باقی باشد و افکار هر کسی را آینه روی آن قضاوت کند بنده عقیده ام این است که هر کس در کشور ایران قدمی بردارد بر ضرر حقوق و حدود اشخاص آن آدم باید مجازات و کیفر ببیند این عقیده من است و نیز عقیده دارم که حدود و حقوق اشخاص مصون است و باید هر کس در سایه عدالت و رفاہیت بتواند زندگی کند چه دهقان چه مرد متمکن این يك اصل کلی است که پایه و اساس حکومت دمو کراسی و مشروطیت است و بر روی این اصل است که بنده این پیشنهاد را کردم وقتی که مجلس شورای ملی تصدیق میکنند يك ملک را غصب کرده اند داد گاه رسیدگی میکنند داد گاهی که با پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب مجلس شورای ملی تأسیس میشود و

صلاحیت برای او قائل میشویم چرا نباید درآمد ما کسی که غصب شده بصاحبش بدهند این يك اصلی است بنده کار ندارم بقضیه سه هزار تومان او يك مبحث دیگری است ولی وقتی میآئیم وارد این مطلب میشویم که ملک غصب شده و داد گاه تأیید کرده که غصب شده است چرا نباید درآمد آنرا بپردازند کسی نمیتواند بگوید این بیت المال مسلمین است و نباید دخالت در آن کرد مال شخصی است و داد گاه هم میگوید باید بدهند باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم از نقطه نظر عقیده شخصی خودم اعم از اینکه مجلس رأی بدهد یا ندهد من اعتقاد خودم را عرض کردم حالا ممکن است گفته شود که محل ندارد محاسب همین اضافات املاکی است که میگیرند دولت باید بگیرد دولت که نباید مال ملت را ببرد درست است مال ملت است مال شخصی نیست ولی يك اصلی است که پس از اینکه معلوم شد که تا سه هزار تومان بدهند چه فرق دارد سه هزار تومان با سه هزار و پانصد تومان بنده خواهش میکنم آقایان رفقائی که همیشه با اصول موافق هستند با این تبصره هم موافقت بفرمایند .

وزیر دادگستری - فرمایش آقای ملک مدنی را جریب پرداخت منافع املاک غصب شده نظر صحیحی است و اصولاً هم باید این نظر تأمین شود و اینجا هم مذاکره و صحبت شد و برای اجرای این منظور این دو سه ماده اضافه شد و بنده تصور میکنم از نقطه نظر اصولی و حفظ قوانین این مطلب تأمین شده اما بیائیم و این را باین حد برسائیم و بگوئیم تمام منافع املاک پرداخته شود این را تصدیق بفرمائید غیر عملی است و غیر ممکن است بشود تشخیص داد که این منافع املاک چقدر بوده و چه میزان بوده حالا عادلانه است یا نه بنده از نقطه نظر عمل توجه میکنم و عرض میکنم ملاحظه میفرمائید آیا میشود عایدات پانزده ساله ملک را معین کرد بنظر بنده این غیر عملی است و بهمین اندازه که ذکر شد اکتفا کنم بهتر است .

نایب رئیس - عقیده آقای مخبر چیست ؟

مخبر - اگر خاطر آقایان باشد در ماده ۶ در شور اول بنده خودم عقیده آقای ملک را داشتم و استدلال خیلی سخت و شدید هم کردم که غاصب ضامن منافع مستوفات و غیر مستوفات است و هر عملی که در ملک غصب شده باشد تصرفی است که مجاز نبوده و از جیب غاصبت رفته است و يك قاعده در مورد غصب در قانون مدنی هست که باید او را عمل کرد ولی در کمیسیون که رفت و مذاکرات مفصل شد باین نکته برخوردیم که غاصب کی است . ایلان طرف حساب و دعوی با مردم کی است . اما دولت که غاصب نبود غاصب دیگری بوده حالا این پرداخت منافع بدهنده آن غاصب است باینست که بدهد گفته میشود اما ملک دیگری دست دولت هست که باینست که از محل آن اموال درآمد بدهند و بپردازند این حرف هم درست است ولی دولت در کمیسیون دادگستری اینطور توضیح دادند که ما مطابق يك حساب اجمالی که کرده ایم باینست که چندین میلیون تومان بوسیله کارشناس تشخیص منافع کنیم و بمردم بدهیم و نه تنها چیزی کسر خواهیم آورد بلکه باید يك مقداری هم از بودجه کشور را صرف کنیم و بمردم بپردازیم این محظوری بود که گفته شد این عقیده شخص بنده نیست و عقیده کمیسیون است و آقایان اعضاء کمیسیون هم تاحدی تصدیق کردند که دولت در مضیقه می افتد حالا اگر نمایشات بشود و بعد از این دولت بتواند از این محل کمک هائی بجان مردم بمال مردم بمران و آبادی ملک بکنند بهتر است باین جهت کمیسیون هم با این ترتیب که ذکر شده موافقت کرده و بنده هم برخلاف نظر کمیسیون نمیتوانم موافقتی بکنم باین جهت بنده از نظر کمیسیون باینست که آقای ملک مدنی مخالفم نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای ملک مدنی آقایانی که موافقت اظهار بفرمایند (عده کمی برخاستند) رد شد . بنظر بنده آقایان رفقا میل دارند که البته نظامنامه مراعات شود این است که میخواستم تذکری خدمت آقایان عرض کنم که ماده ۶۳ نظامنامه را توجه بفرمائید و بطور اختصار توضیح بفرمائید پیشنهاد آقای دهستانی :

پیشنهاد میکنم در قسمت آخر الف نوشته شود در این موارد همت رسیدگی علاوه بر رد عین ملک با توجه بمدت تصرف و زمان تصرف اجرت المثل آنرا نیز برفع صاحب ملک میتوانند حکم صادر کنند. دهستانی

نایب رئیس - آقای دهستانی.

دهستانی - در حقیقت این قسمت الف اینطور میسراند که قضیه قضیه غصب است نه قضیه معامله در صورتیکه یک چنین معامله وجود داشته باشد ما نباید تبعیض از برای این اشخاص قائل شویم و در آمد او را از بین ببریم برای اینکه غصب شده اگر غصب ثابت شود که این معامله در حال غصب بوده مطابق قانون جاریه کشور و برطبق حق و انصاف و صورت باید اجرة المثل باو داده شود بنده در ماده ۱۴ آنچه را که می بینم این است که این ماده شامل اشخاصی میشود که استحقاقشان محرز است وقتی که استحقاق این ها محرز شد مجلس از روی چه قانونی خواهد گفت اجرة المثل را بگیرد دیگر بسته بنظر آقایان است.

مخبر - پیشنهاد آقای دهستانی با توجه بزمان و مدت است و در ماده با توجه باوضاع و احوال ذکر شده بنا بر این منظور ایشان در ماده هست و اگر بخواهند تمام مدت در نظر گرفته شود بدون قید پس هزار ریال آوقت همان پیشنهاد آقای ملک مدنی است که رد شده بنا بر این بنده تمنی میکنم که مسترد فرمایند.

دهستانی - مسترد میکنم.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی.

بنده پیشنهاد میکنم در قسمت الف برای اشخاصی که ملک آنها بدون معامله گرفته شده است مطابق درآمد روز غصب عایدی آن ملک بصاحبان آن داده شود بهبهانی. انوار نایب رئیس - این تفاوتی با پیشنهاد آقای ملک مدنی ندارد - آقای بهبهانی.

بهبهانی - عرض کنم باید تصدیق کرد که قانون را باید طوری نوشت که با قوانین دیگر مخالفت نداشته باشد و اگر مخالفت داشته باشد یا این را باید اصلاح کرد یا آن قانون را

اینجا میگوید املاکی را که قدر مسام و قدر واضح قضیه است همین است که ملکی را از اشخاص گرفته باشند بزود بدون اینکه آنها پولی داده باشند یا در عوض ملک یا اشیاء همراهی کرده باشند این از نظر قوانین جاریه و قانون مدنی مخالف است زیرا قانون میگوید هر ملکی منافع آن بسبب تابع عین باشد وقتی که محکمه حکم کرد یا همت رسیدگی حکم داد باشد این ملک غصب است و باید صاحبش ببرد چه دلیل دارد که منافع را بدهند. این جا گفته میشود منافع نیست و ندارد محاشن همان عایدی است که از آن ملک برداشته شده و شاید هم در صندوق املاک باشد و اینکه آقای نقابت بیان کردند که طرف غاصب که ملک را غصب کرد غالب است ولی اموالش که حاضر است میشود از آن داد علاوه بر این بنده پیشنهاد کردم که مطابق روز تصرف متصرف آن ملک را بدهند و روز تصرف فراهم میشود معین کرد.

نایب رئیس - نظر آقای مخبر کمیسیون چیست.

مخبر - پیشنهاد آقای بهبهانی و ملک مدنی یکی است و رأی گرفته شده رد شده است و مختصر تغییری دارد ولی مقصود این است که منافع املاک مفسوبه کاملاً استرداد شود و این نظر بجای خودش صحیح است ولی بنده نمیتوانم با پیشنهاد ایشان موافقت کنم.

نایب رئیس - در این قسمت آقای مخبر درست توجه نکردند ایشان پیشنهاد کرده اند منافع مطابق روز تصرف داده شود و با پیشنهاد آقای ملک مدنی تفاوت دارد پیشنهاد آقای ملک مدنی کلیه منافع بود و پیشنهاد ایشان روز تصرف است باین جهت بنده دادم قرائت کردند. آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - نظر بنده اینجا راجع به پیشنهادی که شده مخالفت نیست وقتی که مجلس آن قیافه را نسبت به پیشنهاد بنده نشان داد و با پیشنهاد بنده موافقت نکرد البته با این پیشنهاد هم موافقت نمیکنند ولی بنده اینجا خواستم به آقای مخبر عرض کنم که میفرمایند بد دولت بدی است که از غاصب تلقی کرده باین جهت دولت قائم مقام غاصب است و باید اجرة المثل را بپردازد.

یکی از نمایندگان - از کجا بگیرند.

ملک مدنی - حکم صادر میشود اجرة المثل را از ورش او بگیرند. همانطور که هزار فقره اش را خودشان از محاکم حکم صادر کردند. اگر غصب مرد و بدست ورثه افتاد و از ورثه گرفتند حکم باجره المثل میدهند البته حکم میدهند که از ورثه غاصب گرفته شود اجرة المثل. مخبر - عرض میکنم اختلاف پیشنهاد آقای بهبهانی و آقای ملک مدنی در روز تصرف است اما در این باب که آقای بهبهانی میفرمایند مطابق با منافع روز تصرف بدهند مثلاً اگر پنجسال پیش غصب کردند و با در ده سال پیش غصب کردند و عایدات در ده سال پیش نسبت بیات ملک بخصوص هزار ریال بود و حالا در سایه یک جریان و یک ترقی جنس و بعضی چیزها شده ده هزار ریال آنرا بدهند البته این پیشنهاد منجس آن است که منافع ملک غصب داده شود این را موافقت نشد آمدیم و میگوئیم مطابق روز غصب بدهند یعنی یک قدری ملایم تر شد و مقدارش کمتر شد مطابق آن مقدار حالا این را نقد بدهند یا جنس؟ اگر جنس بدهند ترقیش بیشتر است امروز و بعلاوه قانونی نیست برای اینکه آروز آن مقدار اجور تعلق می گرفت و سال بعد مقدار دیگر سال سوم مقدار دیگر سال ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مقدار دیگر پس قانونی نیست. اصلاً حق با آقای ملک است بنده اول هم تصدیق کردم اصولاً برطبق قانون مدنی باید این قسمت داده شود الا اینکه دولت توضیح داد که این مسئله و این منظور که ما منافع بیست ساله این املاک را بوسیله کارشناس بخواهیم حساب کنیم و جمع بزنیم در محظور خواهیم افتاد و آوقت نه آنها باید بقایای این املاک را بدهیم بلکه باید یک مقداری هم از بودجه کشور باقساط مقروض بشویم و بدهیم و این عملی نیست و اما یک تذکری آقای ملک مدنی دادند راجع باینکه غاصب رفته و مال او که در دست دولت است و بد دولت متعلق از بد غاصب است و ضامن است بنده عرض میکنم هر کسی که بدش از بد غاصب متعلق است. متعلق از غاصب ضامن منافع زمان غصب نیست این در حدود قانون

و اصول است و بنده تجاوز نکردم از آن چون این خانه را من خریده ام ازین زمان بعد را من باید بدهم نه نسبت بما قبل باین جهت این نکته هم پیشنهاد شده که اگر بنا شد حق با اوست و حق داشته است از تاریخ شکایت باو منفعت هم میدهند این یک نکته است که بنا شد آقای وزیر داد گستری هم مطالعه در آن بفرمایند حتی نظرشان این بود که از تاریخ حکم داده شود ولی مانظر مان این بود که از تاریخ شکایت باشد. همزه تاش - این صحیح است.

مخبر - زیرا این طریق قانونی است الان که دولت بدش متعلق است بعد که معلوم میشود مال دیگری است از همان تاریخ شکایت باید منافعش را هم بدهد و این اشکالی ندارد. اما آن نکته که فرمودند البته برای دولت محظور و مانع داشته است ولی بنده با اصل فرمایش ایشان موافقم ولی از لحاظ مخبری چون کمیسیون قبول نکرد موافقت نکردم.

نایب رئیس - آقای وزیر داد گستری با این پیشنهاد موافق هستند.

وزیر داد گستری - خوب موافق هستیم.

نایب رئیس - رأی گرفته می شود به پیشنهاد آقای بهبهانی.

یکی از نمایندگان - عده کافی نیست برای رأی

نایب رئیس - یک پیشنهاد دیگری هم هست قریب به همین مضمون آن هم قرائت میشود:

تبصره ذیل در قسمت الف پیشنهاد میشود:

در صورتی که حقایق شاکسی محرز گردید علاوه بر استرداد ملک حکم برد عایدات از تاریخی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی املاک را واگذار فرموده اند برفع شاکسی صادر گردد. طوسی.

نایب رئیس - به آقایان اخطار شود که تشریف بیاورند

ملوید احمدی - اجازه میفرمائید

نایب رئیس - بفرمائید

ملوید احمدی - عرض کنم که بنده دو سه نکته را لازم

داستم بعرض برسانم اولاً این را آقایان مستحضر باشند این راجع به املاک غصب است و راجع به آن املاکی که معامله شده بدست و بنده خیال می کنم که اینها زیاد هم نباشد و از آن طرف هم مطابق قانون مدنی وقتی کسی که ملک را غصب کرد باید اجرة البتة اجرة المثل را هم بدهد شبهه ندارد و ما مخالفت با این بکنیم معنی ندارد زیرا این یک قاعده ایست که میفرماید :

الغاصب يؤخذ با شق الاحوال ؟ از غاصب بشد بدترین وجهی اجرة المثل و منافع هم گرفته میشود میفرمایند از کجا بدهند بنده عرض میکنم محصول این املاک را چندین سال برده اند از همان عایدات بردارند و بدهند از ۶۸ میلیون بدهند یک دفعه ندارند بدهند متدرجاً بدهند (صحیح است) این خیلی بنظر بنده عملی است (امیر تیمور سه آن ۶۸ میلیون را دولت قرض گرفته) خیلی خوب دولت از همان محل بدهد آقای بنده پیشنهاد آقای انوار و بهبهانی را مفید میدانم و خواسته اند ارفاقی باینطرف بکنند چون قاعده باید عین محصول و عواید شائبه بدهند هر چند سالی که غصب کرده اند و آقایان هم در نظر گرفته اند مطابق منافع سال اول بدهند اشکالی هم ندارد اینها دفتر دارد حساب دارد منظم است . یک ملک که غصب شده در دفتر ثبت شده که عایدات سالش چقدر بوده این معین است همان دفاتر را مأخذ قرار بدهند و از عایدات شاه سابق بپردازند و بدهند ب مردم ، ندارند متدرجاً بدهند لکن ما رأی بدهیم بدهند این برای مجلس از نظر مقررات قانون مدنی خوب نیست (صحیح است)

نایب رئیس - یک پیشنهادی از آقای دکتر سمیعی و آقای انوار رسیده است که موضوعش عین همین است خوانده می شود :

پیشنهاد می نمایم سه سطر آخر بند الف ماده ۱۴ بطریق زیر اصلاح گردد :

ماده ۱۴ - بند الف - در این موارد هیئت رسیدگی اختیار دارد علاوه بر رد عین ملک مبلغی که کمتر از درآمد سال اول تصرف باشد با توجه بمدت تصرف بملک صاحب ملک

حکم صادر نماید

نایب رئیس - آقای دکتر سمیعی

دکتر سمیعی - در جلسه قبیل بنده توضیح مختصری در عرض مجلس رساندم . بنده تصور می کنم مظلوم ترین مالک این املاک همین کسانی هستند که املاک شان غصب شده ، دیناری هم به آنها داده نشده عوایدشان را هم برده اند و آن مبلغی را هم که دولت پیشنهاد کرده است از سه هزار تومان تجاوز نکنند برای جبران منافع غالب این املاک کافی نیست و بنده میدانم و اطلاع دارم مالکینی هستند در مازندران ، کیلان که املاکشان را به غصب برده اند عواید املاکشان هم خیلی است و دیناری هم به آنها نداده اند به این جهت بنده پیشنهاد کردم که مالک عمل را به همان عایدات سال اول تصرف قرار بدهند با توجه بمدت تصرف

نایب رئیس - آقای وزیر دادگستری نسبت به این پیشنهاد چه نظری دارید ؟

وزیر دادگستری - این پیشنهادات از نظر اصول صحیح است که باید منافع املاک مغضوبه داده شود این صحیح است به این جهت هم بود که در ماده این سه سطر علاوه شد که منظور آقایان تأمین بشود . اما راجع به اینکه بیایم بگوئیم منافع از فلان تاریخ یا فلان روز یا فلان سنه اینجا بنظر بنده اگر دقت شود تصور می کنم هم برای مجلس شورای ملی و هم برای دولت و هم برای صاحبان املاک بهتر این است که لامحالہ از اینکه این جا نوشته شده دیگر بالا نرود برای اینکه این یک باب تازه را باز می کنند برای یک سازشهایی که ممکن است بروند اشخاص و ساخت و پاختهائی بکنند و نه بمالک چیزی عاید می شود و نه فایده برای او دارد یک اسباب زحمت هم برای دولت فراهم می شود بنابراین بنظر بنده بهتر است از این پیشنهاد صرف نظر بکنند

نایب رئیس - رأی گرفته می شود به مفاد این دو پیشنهاد ...

بهبهانی - یکی یکی رأی بگیری

نایب رئیس - مفاد هر دو پیشنهاد یکی است

بهبهانی - خیر یک جور نیست (زننگ نایب رئیس) نایب رئیس - رأی می گیریم بمفاد این دو پیشنهاد آقایانی کسّه اظهار موافقت میفرمایند بخرید (عده کمی برخاستند) رد شد

پیشنهاد آقای دشتی : بنده پیشنهاد می کنم بجای بنداول این طور نوشته شود : بند (۱) - در صورتی که ملک را بدون عنوان معامله و غصباً تصرف شده باشد صاحب ملک دیگر به هیچ عنوانی حق بملک خود ندارد

حوزه تلاش - دو باره بخوانید

دشتی - لازم نیست . خودم توضیح میدهم . عرض کنم وقتیکه مجلس به این صراحت یک حق قانونی و یک حق طبیعی را که حتی در وحشی ترین ممالک دنیا مسلم است زیر پا میگذارد بنده هم این پیشنهاد را میکنم که این حرف را بزنم . برای اینکه آقا اولاً در تمام دنیا از اول خلقت تا به حال محترم ترین اصول حق مالکیت است تمام قوانین دنیا حتی در وحشی ترین ممالک دنیا حق مالکیت را محترم شمرده است شما آقا ملاحظه بکنید یک پادشاهی آمده است و ملک مردم را برده است ، غصب کرده است . شما میخواهید مال مردم را پس بدهید ؟ میخواهید منافع آن را جبران بکنید ؟ این چیز غریبی است . . . مجلس شورای ملی هم این حرف را قبول نمیکنند ؟ وزیر دادگستری میگوید این پول را ما نداریم بدهیم . چه طور پول نداریم بدهیم ؟ این حرف عجیبی است

طباطبائی - قرض کنید

دشتی - بله . املاک مردم را گرفته اند و تمام این املاک هم غصبی است حالا میگویند همه این املاک غصب نیست و یک عده کمی را صریحاً میگویند غصب است و معامله نکرده اند و سند مالکیت نگرفته اند . خوب اینها را با این ترتیب و این جور که خودتان میگویند زیاد نیست و میگویند تماسش یک میلیون نمیشود بدهید دیگر یکی از رفقا بمن نوشته است که اگر چندین سال هم عواید این ملک ها را بدهند کافی نخواهد بود :

امیر تیمور - بلی بنده نوشتم

دشتی - اینطور نیست آفاتمام املاکی را که از مردم گرفته اند غصباً گرفته اند این خیلی حرف است آقا زیادتر باشد یا کمتر باشد بنده حرفی ندارم این یک مسئله اصولی است که بنده عرض میکنم این یک اساسی است که نمیشود آن را باجماع کرد قانون مدنی را ما نمیتوانیم باجماع کنیم اصل مالکیت و احترام مالکیت را نمیتوانید باجماع کنید آقا یک شاهی آمده اصل مالکیت را زیر پا گذاشته است ملک یک بیوه زن را بزور گرفته است ازش پولش را هم بهش نداده است حالا شما میخواهید بهش پس بدهید آن وقت میگویند چون دولت پول ندارد ما بهش پول بدهیم (یکی از نمایندگان - نداریم) در این مدت ۱۸ ساله عوایدش چه شده ؟ از محل عایدات همین املاک بدهید از آن محل سه هزار تومان بدهید . آن سه هزار تومان بجای را بدهید ولی از محل آن عواید این مال مغضوبه را بدهید . علاوه بر این ۶۸ میلیون تومان را اعلیحضرت همایون رضاشاه بهلوی از سواد کوه که یاورده بود از محل استفاده همین املاک بود و از همان محل هم مال مردم را بهشان بدهید حق مردم را بدهید . این خیلی غریب است که یک مجلس شورای ملی باین پیشنهاد و باین اصل مسلم رأی دهد این زننگ است برای مجلس شورای ملی . بنده پس گرفته ام پیشنهاد خودم را خواستم این حرفم را بزنم

نایب رئیس - مسترد کردند . پیشنهاد آقای طوسی تبصره ذیل در قسمت الف پیشنهاد میشود : در صورتی که یقیناً شاکه محرز گردید علاوه بر استرداد ملک حکم برد عایدات از تاریخ که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی املاک را واگذار فرموده اند بملف شاکه صادر گردد

طوسی - در اطراف این پیشنهادات صحبت زیاد شده است بنده یک طوری خلاصه کردم دلیلش هم همراهش است بنده میگویم اگر محرز شد حق یک کسی حقش را بهش بدهند از این تاریخ هم حکم برد عایدات بشاکه بدهند و گمان نمیکنم توضیح زیادی هم لازم داشته باشد

مظفر - بعقیده بنده بقدری مقدس است این احساساتی که برای حفظ قانون و برای حفظ حق و برای حفظ عدالت

و حفظ شرافت يك ملتى ابراز ميشود بنده تصدیق میکنم تمام نظریه های اصولی را که در این باب ابراز میشود منتهمی باید عرض کنم موافقت هائی هم که از طرف کمسیون دادگستری شده نه بعنوان امانت کردن این موضوع و در نظر نداشتن این کیفیت و این حقیقت بوده است بلکه بنده بر این بوده است که ما در مقابل يك کار واقع شده هستیم و يك اقداماتى شده است باید گفت که این اقدامات بدیده است و باید آن اقدامات را بیک وسایل عاقلانه جبران کنیم و باید حدود ممکن دولت و ملت را هم توجه کنیم و يك التیامى فراهم نمائیم که هر چه زودتر این درد تسکین پیدا کند برای اینکه هر چه زودتر . . . این راهم باید تصدیق کرد که این هر چه زودتر خیلی حکایت می کند از جمله که بوده است برای التیام این دردها و جراحت که زودتر مردم بحقوقشان برسند و کارهایشان زودتر روبراه شود این است که بی احترامی شده باشد از ناحیه مجلس یا مجلس بوسیله رای ندادن نمایان موضوع در حقیقت يك جنبه تعرضی بخودش گرفته باشد بطوریکه طرح شد البته اینطور نیست (صحیح است) و البته همه آقایان این اصل را معتقد هستند بنده و همه آقایان حتی آقای وزیر دادگستری هم این جا فرمودند موافق هستند و معتقد باین موضوع هستند (صحیح است) ولی فعلا بنا بر این است که از لحاظ سرعت يك مدارائی بشود با مردم در عمل هم باز بر میخوریم بیک مشکلاتی چون این کار نه تنها در ایران سابقه نداشته شاید در تاریخ دنیا هم این کار سابقه نداشته که يك روزی يك پارلمانی يك قانونی بیاورد و در این خصوص بحث کند این است که در عمل موافقت فرمایند که این يك قدری مسئله بحث شود و واقصی که این مواد دارد البته بازم دارد بصورت طرحی بصورت موافقت با دولتی بعداً تعدیل شود و این کار فعلا جریان خودش را طی کند .

اما راجع بفرمایش آقای طوسی که اشخاصی که محق تشخیص شده اند از تاریخ ۲۵ شهریور بهشان اجرة المثل داده شود این حرف را بنده هم تکرار کردم که این مطلب

صحیحی است و لیکن این اختصاص بمال غصب ندارد و در مورد آن ملکی هم که معامله شده و داده میشود و پولش را میگیرند این جا يك نظری در کمسیون گفته شد که اگر کسی پنجهزار تومان پول گرفته و وقتی شکایت کرد و این پنجهزار تومان را مستاعده آورد و نوی سندوق عدلیه بامانت گذاشت و گفت آقا من پولتان را نمی خواهم شکایت خودم را هم کردم و ملکم را می خواهم و بعد از رسیدگی هم معلوم شد که محق بوده است آوقت ملکش را بهش می دهند و اجور این فاصله و این مدت را هم باستانی با او حساب کرد و بعقیده بنده اگر این پیشنهاد آقای طوسی بصورت يك ماده جامع تری در بیاورند و در دنباله ماده ۱۹ اضافه کنیم جایش بهتر از این جاست اگر شرطشان صرفاً برای املاک مغبوبه است که قابل موافقت است البته ولیکن بعقیده بنده بهتر است تعمیم بدهیم نسبت بتمام شکایات با آقای وزیر دادگستری هم مذاکره شد و موافقت کردند که تا جلسه آتی که میسریم به ماده ۱۹ این نظر شما را تأمین کنیم .

طوسی - بسیار خوب بماند برای ماده ۱۹

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حمزه تاش

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۴ در آخر بند الف (پس از جمله بفتح صاحب مالك) اضافه شود (باضافه پرداخت عوالت و محصول از روز تقدیم دادخواست تا صدور ورقه اجرائیه) صادر کند

مخبر - این پیشنهاد هم عین پیشنهاد آقای طوسی است و باید در ماده ۱۹ تأمین کنیم

حمزه تاش - ما خسارات و اجرة المثل را نمی خواهیم فقط از روزیکه شکایت می کنند شاکی تا روزی که حکم صادر میشود لااقل مالش را بهش بدهند در تصرف دولت است بدهند .

مخبر - عرض کردم آقای وزیر هم موافقت دارند بنده هم موافق هستم بماند برای ماده ۱۹ تأمین شود **نایب رئیس** - مسترد کردید ؟

حمزه تاش - مسترد نکردم - قبول کردند **مخبر** - بماند برای ماده نوزدهم **حمزه تاش** - بسیار خوب بماند برای ماده ۱۵ و تأمین شود .

مخبر - ماده نوزدهم عرض کرده نه ماده پانزدهم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای مخبر فرمودند

پیشنهاد می کنم منافع املاک غصب را سه ساله بپردازند **مخبر فرمودند** - عرض کنم که این خیلی جای تاسف است که مجلس شورای ملی يك سابقه باین ترتیب که مطرح شد از خودش باقی بگذارد اگر يك کسی را فرض فرمائید بیاورند مالش را بعتف و بزور و جبر ازش بگیرند این يك نقطه اتکالی دارد که می تواند اگر يك فرصت مناسبی برایش پیدا شد از راه قانون مدنی احقاق کلیه حقوق خود را بخواهد (صحیح است) حالا این جا مجلس دارد بجهت قانون اجازه غصب میدهد این يك عملی است که بعقیده من شأن مجلس نیست و این يك چیزی است که اگر سابقه اش در مجلس بماند همیشه و کلاً مورد ملامت مردم خواهند بود اولاً این موضوع غصب و املاکی که بدون دادن وجه گرفته شده است اینها اینقدر نیست شاید در تمام این املاکی که گرفته شده است سدی دو هم نباشد آوقت مجموع آنها را که حساب کنیم يك مبلغ خیلی کمی میشود اگر روی يك حساب کلی برویم همینطور است که باید يك بودجه عرض و طلبی بیاورید و مملکت هم امروز همچو پولی ندارد که بیاورد و يك پولی که از يك جامعه گرفته میشود همه اینها را بدهند ولی خیر آقا اینطور نیست اینجا میگویید املاکی که بگصب گرفته شده و پولی بهشان داده اند و منافعش را هم برده اند و بصاحبش هم هیچ چیز نداده اند آن را رد کنید آن منافع را هم بهشان بدهید مطلب بعقیده بنده خیلی ساده و سر راست است (صحیح است) و باید این سابقه را در مجلس گذاشت که نباید منافع املاک مغبوبه بصاحبش داده شود این خوب نیست (صحیح است) این سابقه بد است در مجلس بماند از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که سه ساله پرداخته شود و نقطه نظر هم این

بود که اولاً تذکر بدهم که مجلس رأی که داد بآن دو پیشنهاد ورد کرد بعقیده بنده توجه باین موضوع فرمودند که این املاک مقدار خیلی کمی است و آن مبلغی هم که باید بدهند اینقدرها زیاد نیست ولی در مجلس تصور شد که يك مبلغ خیلی گزافی است و البته همانطور که آقای مخبر هم توضیح دادند این امروز برای دولت مقدور نیست که بپردازد و روی این اصل آن دو پیشنهاد رد شد والا اگر يك مطالعه میشد و بطلب عنایت و توجه میشد البته مجلس هم رأی میداد که منافع املاک غصبی را هیچ ندهند (صحیح است) بعقیده بنده و او اینکه بماند هم باشد و او اینکه تدریجی هم باشد دو سال سه سال پنج سال باید بدهند املاک را و منافع آنرا هم بدهند و مجلس هم باید رأی بدهد و این سابقه را باقی نگذارد (صحیح است)

نایب رئیس - آقای انوار

انوار - آقای دشتی تشریف بردند و بنده تعجب دارم از دو مسئله یکی مسئله بود که آقای نقابت اظهار کردند و آقا هم بیان فرمودند که این در مجلس نماند آقای نقابت بیان کردند که این املاک با شرط واگذار شده است بنده عرض میکنم بدون شرط واگذار شده املاک مال دولت است مالک هم دولت است دولت هم بعنوان عدالت باید با مردم راه برود و حق مردم را بدهد نه اینطور که با شرط باشد و شرط ضمن العقد است و روی آن باین جمله این عمل واقع شده است و این حرفها بخیر شرط شرط خارج است این اشتباه نشود که این يك موضوع است و ملازم است این قضیه را انجام دهد این یکی .

موضوع دیگر جمله آقای دشتی بود با آن شدت در يك جا ما میگوییم که سه هزار تومان بدهند میفرمایند چرا و جمله میکنند بکمسیون دادگستری که ای داد و بیداد چطور رأی دادید که از بیت المال مسلمین بدهند خراب کردید بیجا کردید و چه کردید حالا این جور میفرمایند با اینکه آقای وزیر دادگستری و وزیر دارائی هم توضیحاتی در اینباب دادند و مضیقه هائی که در این باب

برای دولت هست و گرفتار است توضیح دادند آنوقت هم مجلس نگفته است که مال غصب را نباید بهش پس داد و نگفت که منافع مال غصب را پایمال کنید (صحیح است) کی مجلس شورای ملی چنین عقیده‌ای دارد؟ مجلس شورای ملی عدالت را میخواهد بر پا کند و اجرا و تعقیب کند این است که بنده نمیخواهم يك چیزهایی در مجلس بماند و يك سوابقی در مجلس پیدا نکنند که بگویند يك مجلسی در حال آزادی خودش آمده است قوانین اسلام و قوانین اساسی مملکت را زیر پا گذارده است. خیر اینطور نیست و اینجور نبوده است همین مسائلی را که آقای وزیر دادگستری بیان کردند در کمیسیون هم مکرر صحبت شد و مکرر در مکرر هم بنده عرض کردم صورت مجلس ها هست بشهادت صورت مجلس اول کسی که این مسئله را اظهار و عنوان کرد من بودم که گفتم بعد از این دیگر کسی نباید با الدرهم و بلدرم مال مردم را ببرد و بخورد همه آقایان هم شاهدند بعد که آقای وزیر دادگستری فرمودند که يك شکافی در این جا ایجاد میشود يك روزهای در اینجا باز میشود که این روزنه بیشتر اسباب از بین رفتن بیت‌المال مسلمین می‌شود ما از این نظر دیگر توانستیم رد کنیم نظر آقای وزیر عدلیه و وزیر مالیه را که در آنجا بیان کردند این بود موضوع و الا مجلس شورای ملی نباید با علم و اطلاع با توانائی دولت بیايد يك منافع ایام غصب را بگوید پس ندهند این طور نیست آقا. این شبهه را باید رفع کرد این عرایض من برای رفع این شبهه و توضیح اینمطلب بود و الا بنده هم موافق هستم با پیشنهاد آقای بهبهانی اما برای اینکه رفع شبهه کرده باشم که نه مجلس این کار پرا کرد و نه کمیسیون این توضیح را لازم بود بندهم.

وزیر دادگستری - عرض کنم که البته شاید وقتی احساسات یکقدری غلیان پیدا میکند مشکل میشود توجه باصل مقصود در صورتیکه اگر اندک توجهی بکنیم میبینیم مطلب روشن است. مجلس شورای ملی هم بنظر بنده عملی برخلاف اصول نکرده است و رأی هم که داده اند کاملاً

که هیئت رسیدگی و قاضی بتواند عمل کنند و قاضی دستش باز باشد که بتواند در این قبیل موارد تشخیص بدهد و مجال ندهد به کسانی که در اطراف و حمایشی موضوع میخواستند سوء استفاده کنند از ستم بودن دست قاضی سوء استفاده کنند و بنظر بنده این مسائل بیشتر اهمیت دارد. سایر قضایا بنابراین ذکر اینکه تأدیه اجرةالمثل دو ساله یا سه ساله یا پنج ساله وده ساله باشد یا مأخذ فلان تاریخ باشد بنظر بنده اینقدرها اهمیت ندارد و اگر ما بیاییم و بگوئیم مقداری که اینجا ذکر شده ممکن است کمتر باشد یا ممکن است یکقدری هم بیشتر باشد زیادتر از این باشد اینها البته اینقدر مورد توجه نیست و خوبست موافقت فرمایند آقایان که هیئت رسیدگی بتواند تشخیص بدهد و تا این میزانی که ذکر شده پردازد بنظر بنده این عادلانه تر و اقرب بصواب است تا اینکه ما بیاییم و حسابهای

دیگر و راههای دیگری بدست اشخاصی بدهیم که هیچگونه دستش باز باشد که بتواند در این قبیل موارد تشخیص بدهد و مجال ندهد به کسانی که در اطراف و حمایشی موضوع میخواستند سوء استفاده کنند از ستم بودن دست قاضی سوء استفاده کنند و بنظر بنده این مسائل بیشتر اهمیت دارد. سایر قضایا بنابراین ذکر اینکه تأدیه اجرةالمثل دو ساله یا سه ساله یا پنج ساله وده ساله باشد یا مأخذ فلان تاریخ باشد بنظر بنده اینقدرها اهمیت ندارد و اگر ما بیاییم و بگوئیم مقداری که اینجا ذکر شده ممکن است کمتر باشد یا ممکن است یکقدری هم بیشتر باشد زیادتر از این باشد اینها البته اینقدر مورد توجه نیست و خوبست موافقت فرمایند آقایان که هیئت رسیدگی بتواند تشخیص بدهد و تا این میزانی که ذکر شده پردازد بنظر بنده این عادلانه تر و اقرب بصواب است تا اینکه ما بیاییم و حسابهای

این کار (صحیح است) . نایب رئیس - نظر باینکه متأسفانه اکثریت برای رأی نیست اگر آقایان موافقت فرمایند جلسه را ختم کنیم. (صحیح است)

۵ - موقع و دستور جلسه آئیه - ختم جلسه | نایب رئیس - جلسه آئیه روز پنجشنبه ده اردیبهشت ماه ساعت هشت و نیم

جمعی از نمایندگان - ساعت ده .

نایب رئیس - از آقایان تقاضی میکنم زودتر تشریف بیاورند. دستور هم لایحه املاک

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - مرتضی بیات